گزارش

شهرداری تهران بار دیگر از انتقال پایانه‌های غرب و جنوب خبر داد

وعده ۱۳ ساله زمین‌های ۵۵ هکتاری

شرق: شهرداری تهران بار دیگر از انتقال پایانه‌های غرب و جنوب خبر داده است؛ وعده‌ای با ۱۳ سال سابقه که این بار با برنامه تغییر کاربری ۵۵ هکتار از اراضی پایتخت همراه شده و نگرانی‌هایی را در شورای شهر و میان اهالی محلات جنوب تهران ایجاد کرده است.

سال ۱۳۹۲ مدیران شهری تهران اعلام کردند زمین مورد نیاز برای انتقال پایانه غرب در منطقه ۱۹ تحویل گرفته شده و جابه‌جایی این پایانه حدود دو سال زمان می‌برد. دو سال بعد، شهر آفتاب و احداث دو پایانه در شمال غرب و جنوب غرب تهران مطرح شد. در سال ۱۴۰۲ بار دیگر شهر آفتاب به عنوان مقصد احتمالی معرفی شد و مدیران شهری برای اجرای طرح فرصتی چهارساله خواستند. حالا ۱۳ سال از وعده‌های اولیه گذشته و پایانه‌های غرب و جنوب همچنان در محل سابق خود فعالیت می‌کنند.

علیرضا زاکانی، شهردار تهران، در ماه‌های پایانی دوره ششم مدیریت شهری، مقصد تازه‌ای برای این دو پایانه معرفی کرده است: شن‌چاله‌های منطقه ۱۸. او برای زمین‌های پایانه‌های فعلی نیز برنامه دارد. بنا بر توضیحات شهردار، قرار است پایانه جنوب جای خود را به مرکز تجارت جهانی تهران بدهد و زمین پایانه غرب به مجموعه‌ای اداری تبدیل شود.

آنچه این بار حساسیت‌ها را بیشتر کرده، سابقه طولانی وعده انتقال پایانه‌ها در کنار اعلام برنامه‌های ساختمانی شهرداری برای زمین‌هایی است که هنوز آزاد نشده‌اند. براساس آمار اعلام‌شده از سوی پوریا علیمردانی در بهمن ۱۴۰۲، پایانه غرب ۴۵ هکتار و پایانه جنوب ۱۰ هکتار وسعت دارند و مجموعا سالانه به ۹.۵ میلیون مسافر خدمات می‌دهند.

هر چند سال، یک مقصد تازه

در این ۱۳ سال، علاوه بر محل پیشنهادی احداث پایانه‌ها، شیوه ساماندهی سفرهای بین شهری تهران نیز تغییر کرده است. در سال ۱۳۹۴ در کنار پیشنهاد انتقال پایانه‌ها، از ایجاد چهار پارک‌سوار و چهار پایانه غیرمتمرکز در تهران سخن گفته می‌شد. در بهمن ۱۴۰۲ نیز مدیران شهری اعلام کردند با احداث پایانه‌ای در نزدیکی ایستگاه مترو شهر آفتاب می‌توان سالانه یک‌ونیم تا دو میلیون نفر از مسافران پایانه جنوب را به مجموعه جدید منتقل کرد. در آن مقطع قرار نبود تمام چهارونیم میلیون مسافر این پایانه برای سفرهای بین‌شهری به خارج از تهران بروند. شهردار تهران در سال ۱۴۰۳ نیز از خروج پایانه‌ها و باقی‌ماندن چند پایانه موقت در داخل شهر برای سوارکردن مسافران خبر داده بود. اکنون صحبت از تجمیع دو پایانه در کنار یک مرکز بزرگ لجستیک در منطقه ۱۸ است.

وسعت محدوده طرح و اراضی پیرامون شن‌چاله‌ها حدود ۴۰۰ هکتار و مساحت دهانه شن‌چاله حدود ۸۴ تا ۸۵ هکتار اعلام شده است. شهردار تهران از پیش‌بینی حدود ۱۰ میلیون مترمربع زیربنا برای کل مجموعه چندمنظوره پیشنهادی سخن گفته و دو ایستگاه از خط ۱۱ مترو نیز برای این محدوده در نظر گرفته شده است؛ خطی که هنوز به بهره‌برداری نرسیده است.

قرار نبود پایانه‌ها را بفروشیم

جعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید برنامه‌ای که در گذشته برای ساماندهی پایانه‌های مسافربری تهران تدوین شده بود، تفاوت‌های اساسی با آنچه امروز مطرح می‌شود داشت.

او که سال‌ها در مدیریت حمل‌ونقل تهران مسئولیت داشته است، توضیح می‌دهد: «وقتی درباره پایانه‌ها صحبت می‌کنیم، با پازلی متشکل از چندده فعالیت و متغیر روبه‌رو هستیم که باید همه آنها در نظر گرفته شوند. اینکه قطعه‌ای از این پازل را که احتمالا نفعی در آن می‌بینیم، گزینشی انتخاب کنیم و بگوییم چون طرح از گذشته وجود داشته، حالا این دو پایانه را بفروشیم یا به کاربری‌های اداری و تجاری اختصاص دهیم، قطعا دیدگاه ما در گذشته و حال حاضر نبوده است».

تشکری‌هاشمی می‌گوید قرار بود پیش از انتقال پایانه‌های بزرگ، نقاطی در محلات مختلف تهران برای سوارشدن مسافران اتوبوس‌های بین‌شهری در نظر گرفته شود؛ به‌گونه‌ای که شهروندان برای سفر به شهرهای دیگر مجبور نباشند همگی به پایانه غرب یا جنوب مراجعه کنند. اتوبوس‌ها در ساعت مشخص به این پایانه‌های محلی می‌رسیدند، مسافران را سوار می‌کردند و به مسیر خود ادامه می‌دادند. در این نقاط خبری از توقف طولانی‌مدت اتوبوس‌ها، تعمیرگاه و پارکینگ نبود. در مقابل، خدماتی مانند تعمیرات، سوخت‌گیری، شست‌وشو، پارکینگ اتوبوس‌ها و استراحت رانندگان باید در پایانه‌های اصلی مستقر در پیرامون شهر متمرکز می‌شد. به گفته رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورا، ضرورتی ندارد در شهری مانند تهران که با آلودگی هوا و ترافیک دست‌به‌گریبان است، اتوبوس‌های بین‌شهری ساعت‌ها در محدوده‌های پرتردد توقف کنند و فعالیت‌هایی مانند تعمیر موتور و رنگ‌آمیزی خودرو در همان محل انجام شود.

او اتصال پایانه‌های جایگزین به شبکه مترو را نیز از شروط اصلی اجرای طرح می‌داند و تأکید می‌کند ابتدا باید پایانه‌های محلی و سپس پایانه‌های اصلی با امکانات و دسترسی مناسب احداث شوند و پس از آن می‌توان درباره جابه‌جایی پایانه‌های موجود تصمیم گرفت.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

جدال معماران و مرمتگران بر سرحدود تغییر در میراث معماری مدرن

خانه شاملو در آینه معمار





نورا حسینی: آیدا نشانی اتاق را به یاد داشت؛ طبقه دوم خانه‌ای در خیابان ویلا با پنجره‌ای رو به کوچه خسرو. شاملو با مادر و خواهرانش در این خانه زندگی می‌کرد و به گفته آیدا، شعر «آیدا در آینه» را بر یکی از دیوارهای اتاقش نوشته بود. سال‌ها بعد، علیرضا تغابنی در جست‌وجوی همان دیوار به خانه رفت. از نوشته شاملو چیزی باقی نمانده بود. معمار محل دیوار را پیدا کرد و سازه‌ای فلزی طراحی کرد که از دل ساختمان بیرون می‌زند، در حیاط می‌پیچد و به بام می‌رسد. از خیابان که به خانه نگاه می‌کنید، پیش از دیوارهای آجری و پنجره‌های قدیمی، سازه سرخ‌رنگ به چشم می‌آید. در سومین نشست از سلسله‌نشست‌های «مرزهای تغییر در احیای میراث معماری مدرن»، همین موضوع محل اختلاف معماران و مرمتگران بود. عده‌ای کار تغابنی را در نجات خانه‌ای از خطر تخریب و زنده‌کردن یاد شاملو ارزشمند می‌دانستند و عده‌ای معتقد بودند حضور معمار چنان در ساختمان پررنگ شده که باید دوباره درباره ارزش‌های خود خانه حرف زد. رضا فیضی، دبیر علمی نشست، سه سؤال از تغابنی داشت؛ این خانه چه اندازه روایت شاعر و چه اندازه روایت معمار است؟ چه ارزش‌هایی در جریان احیای آن حفظ شده و از کدام ارزش‌ها صرف‌نظر شده است؟ اگر معمار امروز دوباره این خانه را طراحی کند، از انجام کدام تغییرات چشم می‌پوشد؟

مرمت به سلیقه معمار

رضا فیضی از سال‌هایی گفت که معماری مدرن هنوز برای بسیاری از متخصصان میراث فرهنگی ایران ارزش حفاظت نداشت؛ توجه عمده آنها به بناهای تاریخی و معماری سنتی معطوف بود. او حتی از برخی بزرگان حوزه مرمت شنیده بود که معماری مدرن را گرفتاری زندگی امروز می‌دانستند و معتقد بودند چنین ساختمان‌هایی ارزش نگهداری ندارند. امروز تعداد بیشتری از ساختمان‌های دوره مدرن احیا می‌شوند، اما به گفته فیضی، کیفیت این پروژه‌ها بسیار متفاوت است. در میان آنها آثار درخشانی وجود دارد، بعضی کارها معمولی‌اند و برخی دیگر نه از نظر معماری قابل دفاع هستند و نه از نظر حفاظت. فیضی معتقد است هنوز معیارهای روشنی برای ارزیابی این پروژه‌ها نداریم. ممکن است یک معمار از تغییرات گسترده در ساختمانی قدیمی دفاع کند و مرمتگری همان تغییرات را مخرب بداند؛ هر دو نیز برای نظر خود استدلال‌هایی داشته باشند. در این میان تکلیف مالک و بنای تاریخی چیست؟

سنگ مزاری که با شکستن زیباتر شود

آشنایی تغابنی با مکان‌های مرتبط با زندگی شاملو به سال‌ها پیش از احیای خانه خیابان ویلا بازمی‌گردد. سنگ مزار شاعر در امامزاده طاهر بارها شکسته شده بود و یکی از دوستان تغابنی از او خواست برای آن طرحی تهیه کند. معمار به فکر ساخت سنگ مزاری افتاد که هرچه بیشتر بشکند، زیباتر شود. مزار شاملو فاصله چندانی با مزار هوشنگ گلشیری و محمدجعفر پوینده نداشت. تغابنی به این فکر کرد که شاید بتوان در آنجا فضایی ساخت که دوستداران این نویسندگان و شاعران گردهم بیایند و شعر بخوانند. ماکت‌هایی ساخته شد، اما کار به مرحله اجرا نرسید. او مدتی نیز درباره مکان‌های مرتبط با زندگی شاملو در تهران مطالعه کرد؛ از دفتر مجله «خوشه» تا کتاب‌فروشی‌ها و خانه‌هایی که شاعر به آنها رفت‌وآمد داشت. می‌شد با نشانه‌گذاری این مکان‌ها، بخشی از زندگی شاملو را به مردم تهران معرفی کرد. تغابنی در میان سخنانش جمله‌ای از کتابی درباره تهران نقل کرد: «تهران تاریخ بزرگی دارد، اما حافظه کوچکی دارد». او از دانشجویان معماری گفت که برای محدوده‌ای مرتبط با سفارت روسیه طرحی تهیه کرده بودند. یکی از داوران از آنها پرسیده بود آیا می‌دانند در این مکان چه کسانی را به دار آویخته‌اند؟ دانشجویان برای زمینی طرح کشیده بودند که از تاریخ آن چیزی نمی‌دانستند. از نظر تغابنی بسیاری از خیابان‌های تهران پر از داستان‌هایی هستند که مردم از آنها بی‌خبرند. او در وین پلاک کوچکی بر دیوار ساختمانی دیده بود که از ملاقات موتسارت با معشوقش در آن مکان خبر می‌داد؛ همین چند کلمه کافی بود تا هنگام ورود به ساختمان، به این فکر کند آنها از کدام پله‌ها بالا رفته‌اند و کجا با یکدیگر حرف زده‌اند.

دیوار آیدا

خانه خیابان ویلا به گفته تغابنی در آستانه ویرانی بود و پیش از هر کاری باید مقاوم‌سازی می‌شد. معمار در طرح‌های اولیه به سازه‌ای فکر می‌کرد که ساختمان را از درون دربر بگیرد و در قسمت‌هایی از آن بیرون بزند. خواندن خاطرات آیدا مسیر طراحی را تغییر داد. محل دیواری که شاملو شعرش را بر آن نوشته بود، شناسایی شد. تغابنی تصمیم گرفت این دیوار را امتداد دهد و از سازه جدید برای استحکام‌بخشی ساختمان و ایجاد راه ارتباطی میان حیاط، طبقات و بام استفاده کند. در طراحی سازه فلزی از انحناهای خطوط فارسی و تصاویری که در اشعار شاملو دیده می‌شود، از دشنه و پولاد تا زنگار و خشونت، الهام گرفته شد. تغابنی گفت اگر طراحی خانه سهراب سپهری به او سپرده می‌شد، به سراغ چنین فرمی نمی‌رفت.

دیوار حیاط را نیز برداشتند تا مردم بتوانند از خیابان وارد حیاط شوند. بخش‌هایی از کف و سقف ساختمان تغییر کرد و در قسمت‌هایی از کف شیشه استفاده شد تا امتداد عمودی سازه جدید قابل مشاهده باشد. تغابنی می‌گوید در عین انجام این تغییرات، به حفظ آجرها، پلکان قدیمی و جزئیات نمای ساختمان توجه داشته است. حتی وقتی در جریان بازسازی ضخامت برخی قاب‌ها چند سانتی‌متر بیشتر شده بود، اصرار کرده بود آنها را به شکل اولیه بازگردانند. اما پرسش مرمتگران این بود که با حفظ آجرها و پنجره‌ها، چه اندازه از خود خانه حفظ شده است؟

وقتی مداخله از خود بنا بیشتر دیده می‌شود

علیرضا رازقی، دانشیار گروه مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، برای توضیح نظرش مثالی زد. اگر انسانی عضوی از بدنش را از دست بدهد و به پروتز نیاز داشته باشد، آیا باید عضو مصنوعی را چنان طراحی کرد که بیش از خود آن انسان به چشم بیاید؟ او معتقد است مرمتگر با اثری روبه‌رو است که پیش از حضور او وجود داشته و بخشی از تاریخ را پشت سر گذاشته است. بنابراین باید مراقب باشد آنچه به بنا اضافه می‌کند، بر خود اثر غلبه نکند. رازقی این موضوع را تنها به اصول فنی مرمت محدود نمی‌داند. از نظر او پای اخلاق حرفه‌ای نیز در میان است. معمار امروز با ساختمانی سروکار دارد که حاصل اندیشه، کار و زندگی مردمانی در دوره‌ای دیگر است؛ چه اندازه حق دارد در آن دست ببرد و نام و نشان خود را بر آن باقی بگذارد؟

تغابنی تشبیه ساختمان به بدن انسان را نادرست دانست. به گفته او برخلاف بدن انسان، نمی‌توان برای همه ساختمان‌ها شکل ثابتی در نظر گرفت. او همچنین معتقد است اصالت یک بنا فقط به شکل، مصالح و جزئیات آن وابسته نیست؛ خاطره و هویت مکان نیز بخشی از اصالت اثر هستند. تغابنی در پاسخ به پرسش فیضی درباره سهم معمار و شاعر از طراحی خانه، به مزه سیب اشاره کرد؛ مزه‌ای که نه‌فقط در سیب است و نه‌فقط در زبان. او گفت نمی‌تواند سهم خودش و شاملو را از یکدیگر جدا کند. اگر هم امروز دوباره خانه شاعر را طراحی کند، به‌جز اصلاح برخی جزئیات، تصمیم‌های اصلی خود را تغییر نخواهد داد.

مادر و خواهران شاملو چه شدند؟

زمانی‌فرجی، رئیس دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر، از تغابنی پرسید چرا از میان همه ارزش‌های این خانه، یک دیوار را انتخاب کرده است؟ شاملو تنها ساکن این خانه نبود؛ مادر و خواهرانش نیز در آن زندگی می‌کردند. ساختمان می‌توانست نمونه‌ای از خانه‌های ایرانی در دوره پهلوی و سندی از شیوه زندگی خانواده‌ای در تهران آن روزگار باشد؛ آیا انتخاب یک خاطره از زندگی شاملو باعث نشده دیگر خاطرات خانه از دست بروند؟ آیا معمار با برجسته‌کردن دیوار آیدا، ارزش‌های دیگر ساختمان را نادیده نگرفته است؟

زمانی‌فرجی سؤال دیگری هم داشت: اگر معماران دیگر با دیدن خانه شاعر بخواهند مداخلاتی به همین اندازه گسترده در بناهای ارزشمند دوره معاصر انجام دهند، تغابنی از چنین اتفاقی استقبال خواهد کرد؟

مصطفی کیانی، دانشیار گروه معماری داخلی دانشگاه هنر نیز شاملو را به شکل دیگری می‌شناخت. او شعری از شاملو خواند که در آن شاعر با زبانی ساده از نام، تبار و ویژگی‌های خودش می‌گوید. کیانی گفت شاید وقتی به خانه شاملو برود، بیش از هر چیز بخواهد همین سادگی و بی‌پیرایگی را در آن ببیند. تغابنی از شعر شاملو به دشنه و پولاد رسیده بود و کیانی از شعر همان شاعر به سادگی و خلوص. اگر طراحی خانه به معمار دیگری سپرده می‌شد که شناخت متفاوتی از شاملو داشت، چه بر سر ساختمان می‌آمد؟ تغابنی پذیرفت که هر انتخابی در طراحی با نوعی تقلیل همراه است. او گفت پس از جست‌وجوهای بسیار، خاطره آیدا مستندترین نشانه‌ای بود که از زندگی شاملو در این خانه پیدا کرد.

اسیر پرحرفی معماران نشوید

منصورنژاد، عضو هیئت‌علمی دانشگاه هنر، از رنزو پیانو گفت؛ معماری که وقتی از او خواستند در مجاورت کلیسای رونشان، اثر لوکوربوزیه، صومعه‌ای بسازد، بخش عمده ساختمان جدید را زیر زمین برد. او سپس خطاب به دانشجویان مرمت گفت: «اسیر این پرحرفی‌های ما معماران نشوید». از دانشجویانی گفت که در سرما و گرما ساعت‌ها به رد یک طاقچه در بنایی تاریخی نگاه می‌کنند تا بفهمند چه کسانی در آن خانه زندگی کرده‌اند و آن طاقچه برای چه ساخته شده است. به گفته او، پیشینیان ما به صدای باد گوش کردند که امروز بادگیر داریم، به گرمای کویر توجه کردند که ساباط ساختند و صدای کم‌آبی را شنیدند که قنات به وجود آمد؛ وگرنه شاید آنها هم به فکر انتقال آب خلیج فارس به مرکز ایران می‌افتادند. تغابنی با این برداشت از تاریخ معماری ایران موافق نبود. او گفت پیشینیان ما همیشه اهل سکوت نبوده‌اند. مسجد شیخ لطف‌الله و مسجد شاه اصفهان در زمان ساخت خود آثاری جسورانه بودند و نوآوری‌های بسیاری در آنها صورت گرفت. اما آیا یک خانه ارزشمند تاریخی باید جایی برای جلب توجه به معمار امروز باشد؟

تغابنی گفت نه سکوت همیشه ارزش است و نه فریاد. اگر طراحی ساختمانی در مجاورت اثری ممتاز به او سپرده شود، ممکن است خودش نیز تصمیم بگیرد آن را زیر زمین ببرد. از نظر او نمی‌توان با خانه‌ای در مرکز تهران که بناهای مشابه آن تخریب شده‌اند، همان رفتاری را داشت که با ساختمانی در بافت تاریخی یزد داریم.

خانه شیخ فضل‌الله نوری و خانه شاملو

پیروز حناچی برای توضیح اهمیت حفظ خاطرات شهر از طرح توسعه بیمارستان لقمان گفت. سال‌ها پیش قرار بود دو کوچه بن‌بست در مجاورت بیمارستان تخریب شوند. در همان محدوده آرامگاه ملک‌المتکلمین و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل قرار داشت؛ دو نفر از چهره‌های مشروطه که پس از به توپ بستن مجلس کشته شدند. حناچی گفت اگر خبرنگاری درباره اهمیت تاریخی آن مکان ننوشته بود، شاید امروز دیگر نشانی از آن باقی نمانده بود. او از خانه‌ای در خیابان ایران نیز یاد کرد که آثار سه گلوله بر دیوار آن دیده می‌شد؛ نشانه‌ای از حوادث ماه‌های منتهی به انقلاب. خانه را بازسازی کردند و آثار گلوله‌ها هم از میان رفت.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

نگاه

دور تهران بگردیم

مهدی سیف

مدرس دانشگاه، در موضوع فرهنگ و جامعه

یکی از ویژگی‌های تهران که شوربختانه کثیری از گردشگران از آن یاد می‌کنند، ترافیک و آلودگی هواست. دو معضلی که هرکدام به‌تنهایی قادر بوده‌اند این شهر را از تعریف یک مقصد گردشگری دور کنند. این دو را محصول تفکر تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان می‌دانند که هرکدام نقشی محوری در تبدیل این کلان‌شهر به «این که هست» می‌دانند و انگشت اتهام به سوی متولیان دولتی و مدیران شهری نشانه می‌رود. اما فارغ از تشخیص متهم، آنچه مهم است این است که این فرایند در کنار پررنگ‌بودن وجهه سیاسی و حاکمیتی پایتخت باعث شده تاریخ و فرهنگ و پیشینه این شهر به غبار فراموشی سپرده شود و در نتیجه، این کلان‌شهر به جایگاه شایسته خود دست پیدا نکند. تا همین دو دهه پیش وقتی صحبت از تهران تاریخی به میان می‌آمد، کمتر کسی به آن باور داشت و همین باعث شده بود در بین عموم مردم و در جواب پرسش برشمردن نام چند شهر که قابلیت گردشگری تاریخی داشته باشد، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، تهران رتبه آخر را کسب می‌کرد. در سال‌های اخیر اما توجه به ابعاد مختلف گردشگری پایتخت باعث شد آرام‌آرام بتوان در مجامع رسمی، بدون لکنت، از تهران به‌عنوان یک مقصد گردشگری ناب نام برد یا با کمی اعتمادبه‌نفس، آن را شهری بی‌بدیل در گردشگری کشور دانست، زیرا در بررسی اجمالی ویژگی‌های پایتخت و با وجود بیشترین و مهم‌ترین موزه‌های کشور و وجود بناهای ارزشمند در کنار تنوع آثار گردشگری، تهران بی‌شک جایگاه والایی دارد و در انواع گردشگری، از جمله گردشگری میراث، قابل اعتناست. همچنین است در گردشگری هنری، گردشگری تجاری، گردشگری رویدادها و گردشگری شهری که به طور قطع، اولین گزینه است. این در حالی است که در حوزه‌های دیگر همچون گردشگری سلامت و گردشگری ورزشی -که کمتر بدان پرداخته شده است- پتانسیل بالایی دارد. با این همه باید پذیرفت این ابرشهر، سهم اندکی از گردشگری دارد که این موضوع به‌ویژه در گردشگران خارجی تأسف‌بار است و اگر نعمت وجود فرودگاه‌های بین‌المللی از پایتخت سلب می‌شد، کمتر امیدوار به رویت گردشگران خارجی در شهر بودیم. اما باور داریم این جایگاه، شایسته این شهر زیبا و دوست‌داشتنی نیست و تا رسیدن به جایگاه مطلوب، نیازمند برداشتن گام‌هایی به بلندای همت همه تلاشگران این عرصه هستیم و باید دست در دست هم و گام به گام در نیل به این هدف والا، تلاش کنیم.

به نظر می‌رسد باید گامی بلند در راستای ایجاد فضایی برای مدیریت مقصد و رونق گردشگری برداشته شود و در این ارتباط، یادمان باشد که «تهران شهری برای همه» است و باید برای شناخت آن «دور تهران بگردیم».

برگ سبز خودرو تیبا سفید مدل ۱۳۹۱
به شماره پلاک ۶۸ ایران ۹۶۴ق۱۸
شماره شاسی s۵۸۱۰۰۹۱۷۰۰۱۷۲
و شماره موتور ۸۰۳۹۲۶۴ به بهرام اکبر نژاد
با کدملی ۱۶۹۸۷۳۴۹۹۹ در ۱۴۰۵/۰۷/۲۰ مفقود شده
و فاقد اعتبار است.

مدرک تحصیلی اینجانب محمد مهدی رنجبر فرزند روانبخش
با کدملی ۲۳۶۰۲۳۸۱۶۷ در مقطع کارشناسی رشته مهندسی
فناوری صنایع شیمیایی صادره از دانشگاه مرکز آموزش علمی
کاربردی کنگان به شماره ۹۴۲۳۷۰۶۷۱۸۰۰۷۷ و تاریخ
۱۳۹۸/۱۱/۳۰مفقود گردیده است. از یابنده تقاضا می گردد
اصل مدرک را به دانشگاه مرکز آموزش علمی کاربردی کنگان
به آدرس بوشهر- بندر کنگان تحویل دهد.

برگ سبز رانا پلاس مدل ۱۴۰۳سفید مدل ۱۴۰۳
به شماره پلاک ۱۳۸ایران ۴۶۸س۸۸
شماره شاسی NAAU۰۱HFFRDC۶۰۴۳۵
و شماره موتور ۱۷۲B۰۱۸۶۴۸۰
به نام سکینه حسنی با کد ملی ۳۹۸۰۰۳۸۷۳۴
مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگه سهام شماره ۹۴۲ تعاونی تولیدی
توزیعی کارکنان سازمان کشاورزی استان تهران
ارمغان نصرت بنام **دانیال بزرگ منش**
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است

«آگهی مزایده»
کارخانه نساجی مازندران در نظر دارد نسبت به برگزاری مزایده با موضوع
۱-فروش ضایعات غیر قابل استفاده در خط تولید خود شامل(انواع ضایعات خط تولید ریسندگی و بافندگی ،بوبین ،کیسه پروپیلن نایلون ،پالت های چوبی و...) ؛
۲-فروش انواع پارچه خام،حریر،پارچه رنگی (درجات کیفی مختلف)
از طریق اخذ بالاترین پیشنهاد قیمت اقدام نماید.
لذا از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می آید از مورخه۱۴۰۵/۰۹/۰۷ لغایت ۱۴۰۵/۰۹/۱۳ جهت بازدید،در ساعات اداری به محل کارخانه واقع در استان مازندران،قائمشهر،کیلومتر یک جاده نظامی مراجعه نمایند.آخرین مهلت تحویل مدارک : جمعه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۳ می باشد.تلفن هماهنگی: ۰۹۱۲۳۸۷۰۲۹۹
کارخانه نساجی مازندران

شماره نامه: ۱۴۰۵۸۵۶۰۲۰۲۳۰۰۷۲۴۷
تاریخ ارسال نامه ۱۴۰۵/۰۸/۱۸
قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت اسناد و املاک مرکزی اصفهان
اسناد پلاک ثبتی ۱۷۸۱ واقع در بخش ۴ ثبت اصفهان بترتیب در صفحه ۱۹۴ دفتر ۲۵ املاک ذیل شماره ثبت ۱۳۰۱ فاقد شماره چاپی بنام آقای مهدی زادهوش سهم الارث از خانم طوبی زادهوش به میزان یک حبه و یک دوم حبه مشاع از نیم دانگ مشاع از شش دانگ پلاک ۱۷۸۱ بخش ۴ سابقه ثبت و سند دارد در صفحه ۱۹۷ دفتر ۲۵ املاک ثبت ۱۳۰۱ تمامت یک حبه و هشت دهم حبه مشاع از ۷۲ حبه شش دانگ بنام محمد علی زادهوش فرزند مهدی سند مالکیت صادر گردیده است در صفحه ۲۰۳ دفتر ۲۵ املاک ثبت ۱۳۰۱ بنام خانم اقدس زادهوش فرزند مهدی فاقد شماره چاپی سابقه ثبت و سند دارد ذیل سند قطعی شماره ۵۴۶۹ مورخ ۳۵/۸/۲۱ دفتر ۹ اصفهان دو حبه و هفت دهم حبه مشاع به حاج اسداله شهید اول فرزند حسن انتقال قطعی شده است سپس یک دوم از مورد ثبت های فوق با واسطه ذیل سند قطعی شماره ۱۵۷۰۰ مورخ ۴۳/۲/۵ دفتر اسناد رسمی شماره ۹ اصفهان به آقای رضا منجمی فرزند علی انتقال شده است نامبرده بموجب گواهی حصر وراثت شماره ۱۰۰۱ مورخ ۱۳۷۱/۸/۳۱ شعبه ۸ دادگاه حقوقی اصفهان فوت شده است وراث وی عبارتند از یک نفر عیال دائمی بنام منصوره طهرانی موید فرزند محمد حسن یک اولاد پسر بنام آرش و یک اولاد دختر بنام خانم رامش شهرت هر دو نفر منجمی و پدر متوفی بنام علی منجمی رارانی فرزند مرحوم حسین بقانون ارث که وراث ضمن درخواست صدور سند المثنی به شماره ۱۴۰۵۲۱۷۰۲۰۲۳۰۱۶۴۹۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ با ارائه دو برگ استشهاد شهود باشماره تصدیق ۷۳۹۵۶۱ و شناسه ثبت ۱۴۰۵۰۲۱۵۳۷۳۳۰۰۰۲۳۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ دفتر اسناد رسمی شماره ۴۳۴ اصفهان درخواست المثنی نموده و اعلام کرده سند مذکور بعلت جابجائی مفقود گردیده ، سند مالکیت المثنی در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت و تبصره های ذیل آن در شرف صدور است و مراتب فقدان اسناد در یک نوبت آگهی می شود و چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف ده روز اعتراض خود را کتبا ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید اخذ نماید تا مراتب صورت مجلس و اصل سند مالکیت به ارائه کننده سند مسترد گردد بدیهی است اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسید یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اقدام به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات خواهد شد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۹/۰۷
شناسه آگهی: ۲۳۳۲۸۱۲
سید اسداله موسوی - مدیر واحد ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک مرکزی اصفهان ۶۷۴۳

اخطار اداری
مخاطب محترم
خانم طاهره زینلی ثانویان به آدرس: فاقد آدرس
نظر به اینکه آقای حسین زینلی ثانویان بنا به درخواست شماره ۲۵۰۵۲۹۳۲ مورخ ۱۴۰۵.۰۶.۳۰ تقاضای افراز سهم مشاعی خود موکل خود از پلاک ثبتی ۳۰۰۹ فرعی از ۶۷۱۳ اصلی بخش ۲ تهران را نموده است لذا روزیک شنبه مورخ ۱۴۰۵.۱۰.۰۶ جهت بازدید نماینده و نقشه بردار این اداره تعیین می گردد مقتضی است در موعد مقرر راس ساعت ۱۲:۳۰ در محل ملک حضور بهم رسانید .
تذکر : عدم حضور شما موجب توقف در ادامه عملیات افراز نخواهد شد.
م الف ۱۶۰۴۱
اداره ثبت اسناد و املاک نارمک (تهران)